

Abstract

The discourse of political Islam with the central symbol of Islam, led to the formation of the Islamic Revolution and the manifestation of the Islamic Republic of Iran. The driving force of this discourse was ideology. And due to Imam Khomeini's special interpretation of Islam, we witnessed the formation of a new power structure, which, due to its cultural and ideological nature, sought to rethink and revise the rules and principles governing the global and regional order. He sought to design a new order at the international level. Therefore, the research question is: What is the relationship between cultural diplomacy and the discourse of political Islam in Imam Khomeini's intellectual system? The construction and cultural nature of the Islamic Revolution led to a change in the nature of power and ultimately led to a change in the foreign policy and diplomacy orientations of the Islamic Republic of Iran. Imam Khomeini, by defining symptoms such as nation-centeredness, justice-seeking and cosmopolitan approach to the discourse of political Islam, sought human awakening and change within human beings. The issuance of the revolution was one of the most important tools of cultural diplomacy beyond propaganda. It sought to transform human societies and the application of software structures and soft power in foreign policy implemented a new logic in the international system. In the present study, the aim is to investigate the role and relationship between cultural diplomacy and the discourse of political Islam in Imam Khomeini's system of thought.

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2021.280227.1644>

نسبت سنجی دیپلماسی فرهنگی و گفتمان اسلام سیاسی در منظومه فکری امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲

مطهره سرخابی عبدالملکی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۷

حسین ابوالفضلی کریزی (نویسنده مسؤل)^۲عبدالرضا بای^۳

چکیده

گفتمان اسلام سیاسی با نشانه مرکزی اسلام منجر به شکل گیری انقلاب اسلامی و تجلی جمهوری اسلامی ایران شد، موتور محرکه این گفتمان ایدئولوژی بود، به واقع ایدئولوژی و فرهنگ صورتبندی گفتمانی را شکل داده و به واسطه تفسیر خاص امام خمینی (ره) از اسلام شاهد شکل گیری ساخت قدرت جدید بودیم، این ساخت به واسطه ماهیت فرهنگی و ایدئولوژیکی به دنبال بازاندیشی و بازنگری در قواعد و اصول حاکم بر نظم جهانی و منطقه ای بود و به دنبال طراحی نظم نوین در سطح بین الملل بود، ساخت و ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی منجر به تحول در ماهیت قدرت شد و این مقدمه دگرگونی جهت گیری های سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران شد. امام خمینی (ره) با تعریف نشانگانی چون امت محوری، عدالت طلبی و رویکرد جهان وطنی از برای گفتمان اسلام سیاسی به دنبال بیداری انسانی و تحول در درون انسان ها بود، صدور انقلاب به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای دیپلماسی فرهنگی بود که فراتر از تبلیغات به دنبال تحول بخشی در جوامع انسانی بود، کاربست سازه های نرم افزاری و قدرت نرم در سیاست خارجی منطق نوینی را در نظام بین الملل عملیاتی نمود هدف از پژوهش بررسی نقش و نسبت دیپلماسی فرهنگی و گفتمان اسلام سیاسی در منظومه فکری امام خمینی (ره) می باشد. و. سوال پژوهش عبارت است از: نسبت دیپلماسی فرهنگی و گفتمان اسلام سیاسی در منظومه فکری امام خمینی (ره) چیست؟ با توجه به هدف و سوال طرح شده رابطه متغیرها بررسی خواهد شد

^۱ دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

m.sorkhabi1364@gmail.com

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

Hosainabolfazly47@yahoo.com

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

Phd_bay1979@yahoo.com

گفتمان اسلام سیاسی با نشانه مرکزی اسلام یکی از گفتمان‌هایی است که با شکل‌گیری آن، ماهیت قدرت دچار دگرگونی شده و بازگشت ایدئولوژی به متن تحولات سیاسی و اجتماعی و بازخوانی مجدد از اسلام توسط ایدئولوگ انقلاب اسلامی، نوع و ساخت جدیدی از نگرش به قدرت و سیاست را ارائه نمود این گفتمان با مفصل‌بندی نشانگان خود در سطح ملی به هژمونی رسید، گفتمان اسلام سیاسی به دنبال غیریت‌سازی و حاشیه‌رانی گفتمان‌های رقیب بوده و به دنبال هویت‌زدایی و معنازدایی می‌باشد بعد نرم افزارانه گفتمان انقلاب اسلامی به واسطه بهره‌گیری از فرهنگ و ایدئولوژی و مفاهیمی چون، صدور انقلاب توانست نقش‌آفرینی خود را در سطح منطقه‌ای و جهانی ایفا نماید و تبدیل به یک گفتمان اثربخش شود. در واقع امام خمینی (ره) با بازاندیشی و بازخوانی مجدد از اسلام قرائتی نو ارائه نمود که فرهنگ به عنوان یکی از مهمترین ابعاد منجر به زایش دیپلماسی فرهنگی شد، از دیپلماسی فرهنگی می‌توان به عنوان موتور محرکه و به مثابه قدرت پس گفتمان یاد نمود که توانسته گفتمان انقلاب اسلامی را در سطح جهانی بازنشر نماید، دیپلماسی فرهنگی مهمترین ابزار تحقق‌انگاره جهان وطنی در گفتمان اسلام سیاسی محسوب می‌شود. هدف از پژوهش بررسی نقش و نسبت دیپلماسی فرهنگی و گفتمان اسلام سیاسی در منظومه فکری امام خمینی (ره) می‌باشد و سوال پژوهش عبارت است از: نسبت دیپلماسی فرهنگی و گفتمان اسلام سیاسی در منظومه فکری امام خمینی (ره) چیست؟ با توجه به هدف و سوال طرح شده رابطه متغیرها بررسی خواهد شد

روش‌شناسی : بازشناسی نشانگان گفتمانی

گفتمان کانون پیوند قدرت و دانش است، هدف غایی و نهایی گفتمان‌ها رسیدن به هژمونی است و هر گفتمان با صورت‌بندی از قدرت و عمومیت‌یابی نشانگان خود به دنبال تحقق هژمونی است، تحقق هژمونی به واسطه مفصل‌بندی نشانگان است و با هم‌نشینی عناصر و نشانگان و شمولیت‌یابی آن هژمونی محقق می‌شود "تحلیل گفتمان مجموعه‌ای از ابزارهای روش‌شناختی را دربر می‌گیرد که مدعی‌اند از طریق صورت‌بندی گفتمان به تأسیس دانش اقدام می‌کنند.. (احمد وند، ۱۳۸۴: ۸۵) گفتمان‌ها چارچوب‌هایی هستند که حدود امکان گفت‌وگو درباره هر موضوعی را تعیین می‌کنند نهادهای اجتماعی در چارچوب گفتمان و از طریق فرایند حفظ برخی امکانات و حذف برخی دیگر قدرت خود را مستقر سازند. (بشیریه، ۱۳۷۹: ۹۲). گفتمان در هر عصری تعیین‌کننده شیوه تولید و مصرف و زندگی اقتصادی و به طور کلی محتوا است، معنا و ذات تنها در چارچوب صورت و سبک و نشانه یا گفتمان ظهور و تعیین می‌یابد. (همان، ۹۴)

-زنجیره هم‌ارزی

گفتمان‌ها از طریق "زنجیره هم‌ارزی" پوشش می‌دهد، نظم و انسجام می‌بخشد درهم‌ارزی عناصر، خصلت‌های متفاوت و معنایی رقیب را از دست می‌دهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می‌کند منحل می‌شوند. (حسینی زاده، ۱۳۸۳، ۱۹۱)

نشانگان می بایست در کنار هم قرار گرفته و به یکدیگر متصل شوند تا مرحله مفصل بندی محقق شود "گفتمان ها عناصر و اقدامات مربوط به همه بخش های جامعه را به هم ربط می دهند این ها را به فرآیندی می سازند که به واسطه آن گفتمان ها شکل می گیرند ، در این جا ست که لاکلاوموف مفهوم مفصل بندی را مطرح می کنند. (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۳)

-هژمونی

هدف نهایی و غایی هر گفتمان رسیدن به هژمونی است ،گفتمان غالب با حذف گفتمان های رقیب در نهایت با شمولیت و عمومیت یابی نشانگان به هژمونی می رسد ،"سلطه هنگامی انجام می گیرد که یک برنامه یا نیروی سیاسی قواعد و معانی را در صورتبندی اجتماعی خاص تعیین کند. مفهوم سلطه این نکته را که سرانجام چه کسی مسلط می شود در بطن خود دارد. این قدرت سیاسی است که درباره اشکال مسلط رفتار و معنی در متن اجتماعی معین تصمیم می گیرد.(فیرحی، ۱۳۷۸: ۵۷)

-نشانه مرکزی

هرگفتمان دارای یک نشانه مرکزی که کارکرد آن انسجام بخشی و معنا بخشی است ،بدون نقش آفرینی دال مرکزی وحدت و انسجام نیز محقق نخواهد شد به واقع نشانگان حول دال مرکزی گردهم آمده و مفصل بندی محقق می شود "دال مرکزی به حالتی اشاره داردکه معنای نشانه به حالت انجماد درآمده است ولی دال شناور به حالتی دلالت می کند که نشانه در میدان مبارزه گفتمان های متفاوت برای تثبیت معنا شناور و معلق است."(حقیقت:۱۳۸۵؛۵۱۸؛۵۱۷)

-غیریت سازی و خصومت

بین هویت یابی و غیریت سازی رابطه مستقیمی وجود دارد در واقع هویت یابی و غیریت سازی لازم و ملزوم یکدیگر می باشند ،گفتمان ها به صورت ذاتی خواهان غیریت سازی و دشمن سازی هستند "دریدا نشان می دهد که نظام های متافیزیکی ، معرفت شناختی، اخلاقی و منطقی بر مبنای تقابل ها و تخالف های مفهومی یا برپایه مفاهیم متضاد نظیر استعلایی / تجربی، درونی / بیرونی، اصلی / اشتقاقی، خیر/شر/و عام / خاص بنا شده اند. در هر یک از این مجموعه های دوگانه یک جریان واجد اصالت و ارزش است ؛ به عبارت دیگر یک قطب در مقابل قطب دیگر نفی می شود یا از دور خارج می شود.(نوذری؛۱۳۷۹؛۲۲۵)هدف نهایی گفتمان ها رسیدن به هژمونی است که با حذف گفتمان های رقیب محقق می شود .

- چارچوب نظری: قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی

این مطالعه مفهوم قدرت نرم را به عنوان چارچوب اساسی برای تجزیه و تحلیل پذیرفته است. مفهوم قدرت در روابط بین کشورها در سیستم بین المللی حیاتی است. تمایل غالب در جهان امروز، تمایل دولت ها برای حفظ قدرت خود به عنوان

وسیله ای برای نفوذ یا کنترل سیاست های بین المللی است. قدرت را می توان توانایی تعیین موفقیت آمیز، دستیابی و حفظ آن تعریف کرد. همچنین می توان از قدرت به عنوان توانایی تأثیرگذاری و تأثیر بر دیگران برای رسیدن به نتایج مطلوب یاد کرد. که شامل برخی قابلیت‌ها یا منابع ملموس یا نامشهود است که در هنگام دستیابی به یک هدف از آنها استفاده می کند. این توانایی های قدرت در دو زمینه دسته بندی شده اند. قدرت سخت و قدرت نرم. (ADJEI.2019:19)

اولاً، مفهوم قدرت نرم نخستین بار توسط جوزف نای مطرح شد که مفهومی بحث برانگیز در موضوعات معاصر درباره ماهیت قدرت است. علی رغم توجه بیش از پیش به قدرت نرم، تبادل فرهنگی نیز از این قاعده مستثنی نمی شود. قدرت نرم را می توان جایگزین اشکال سنتی قدرت (اقدامات نظامی و تحریم های اقتصادی) دانست. علاوه بر این قدرت نرم بر ابزارهای صلح آمیز در دست یابی به اهداف و ایجاد اعتماد تأکید دارد. نای معتقد است این دو با هم پیوند ناگسستنی دارند.

نای همچنین فرهنگ یک ملت را به عنوان یکی از سه منبع قدرت نرم معرفی می کند، دو منبع دیگر ارزش های سیاسی و سیاست خارجی است. این سه منبع کاملاً منطبق بر تعهدات و توافقات بین المللی در نظر گرفته شده اند. این نوع تبدلات فرهنگی را در نوع غذا، مد، جهانگردی و سرگرمی می توان مشاهده کرد. (Liang Xu.2017.22)

ثانیاً، پیشرفت بسیار سریع جهانی شدن، سرعت دیپلماسی فرهنگی و سایر اشکال جریان های فرهنگی را تسریع کرده است. همانطور که نظریات این حوزه استدلال می کنند، جهانی شدن فقط یک مسئله اقتصادی نیست بلکه مربوط به موضوعات معنایی فرهنگ نیز می باشد. که علی رغم قابل توجه بودن وابستگی ارزشها و معانی به مکان (سرزمین، کشور)، ما به طور فزاینده ای درگیر شبکه هایی هستیم که فراتر از مکانهای فیزیکی مان (کشور) هستند. (Liang Xu.2017.23)

ثالثاً، با ظهور گسترده درگیری های مذهبی، اهمیت درک و احترام به فرهنگ های مختلف مذهبی موضوعی است که به سرعت در حال تبدیل شدن به یک ضرورت است. حرکت جامعه بین الملل از وضعیت دو قطبی جنگ سرد به چند قطبی کنونی، تأثیر عمیقی بر شیوه عملکرد دولت ها جهت ساخت هویت و وجه ملی خود دارد. امروزه ویژگی های فرهنگی، مذهبی و قومی به طور فزاینده ای در وجه ملی و هویت یک کشور نقش مهمی دارند. ((Liang Xu.2017.23

قدرت نرم به عنوان ظرفیت کسب منافع بدون استفاده از ابزارهای اقتصادی یا نظامی، اما با ایجاد یک جاذبه مثبت تعریف می شود که کسب سایر اشکال قدرت را تسهیل می کند. از آنجا که قدرت نرم مبتنی بر منابع ناملموس و عمدتاً متکی به اقناع است، بنابراین نمی تواند به مکانیسم های محدود کننده متوسل شود. در حالی که شناسایی و به کارگیری قدرت سخت آسان است، نای تأکید می کند که در دنیای چند قطبی امروز، با اقتصاد بهم پیوسته و قدرت فزاینده سیستم مالی بین المللی، "تأثیر بر رفتار دیگران" مهم است.

از این رو، قدرت بازیگر در بیشتر موارد از آگاهی او بر اساس متغیرهای قدرت و شرایطی که در آن قدرت اعمال می شود، تعیین می گردد. ارزشهایی که قدرت نرم را عملی می کنند عبارتند از:

۱. جنبه هایی از فرهنگ که برای مخاطب جذاب است

۲. سیاست ملی وقتی از خارج از کشور قانونی شناخته شود

۳. ارزشهای سیاسی وقتی توسط دیگران مثبت شناخته شود

مدیریت صحیح این منابع با هدف دستیابی به قدرت در چارچوب جهانی سازی، مستلزم مداخله دولت در زمینه های ارتباطی و اطلاعاتی است (zamorano.2016:۱۷۵)

به واسطه تحول در ماهیت قدرت شاهد دگرگونی دیپلماسی هستیم که در فضای جدید می توان ویژگی های دیپلماسی را به صورت زیر بررسی نمود:

۱. قدرت دیپلماتیک یکی از ویژگی های برجسته و بارز دولت ها است و همچنین این اصل نشان دهنده برابری دیپلماسی دولت ها می باشد.

۲. محدوده اختیارات دیپلماتیک: دیپلماسی بالاترین نوع منافع ملی را شامل می شود، تصمیم گیری دیپلماتیک توسط بالاترین ارگان های ملی انجام می شود- مرجع اجرایی دیپلماتیک ارگان تصمیم گیری هر کشور است، که می تواند در عملکرد انعطاف پذیری داشته باشد اما فقط در محدوده خاصی و در صورت بروز مشکلات اساسی باید با ارگان های دیگر سیاست گذاری مشورت کند.

۳. به تدریج و مستقیماً در دیپلماسی معاصر سران کشورها و دولت ها درگیر شرایط مختلف دیپلماتیک شده اند و با نقش فعالی که ایفا می کنند در موقعیت قابل توجه و برجسته ای قرار می گیرند.

۴. فرایند توسعه دیپلماسی مدرن تحت تاثیر فعالیت های دیپلماتیک همه جانبه و گوناگون کشورها می باشد به عبارتی سیاست خارجی تحت تاثیر نظام های سیاسی، اقتصادی و الزامات ملی کشورها است. (Liang Xu.2017.20)

دیپلماسی فرهنگی یک عمل دیپلماتیک از سوی دولتهای عمدتاً مستقل است، اما گروهی از دولتها مانند اتحادیه اروپا و دولتهای فراملی را نیز شامل می شود. از این نظر استدلال فاکس مبنی بر "استفاده از دیپلماسی فرهنگی به معنای تلاش دولت به هر میزان در ارائه وجه بین المللی کشور، متقاعد کننده است. دیپلماسی فرهنگی در حمایت از اهداف سیاست خارجی یا روابط دیپلماتیک دولت یا هر دو انجام می شود. و به دلیل ارتباط با سیاست خارجی یا دیپلماسی، وزارت امور خارجه یا در سطح فرا ملی، وزارت روابط بین الملل را درگیر می کند. (Mark. 2009.8)

طبق تعریف مفهوم دیپلماسی در بخش قبلی، دیپلماسی فرهنگی بر نقش دولت یا حکومت به عنوان ارگانهای رسمی درگیر در مبادلات فرهنگی خارجی تاکید دارد. به عبارتی دولتها به عنوان بازیگران اصلی در دیپلماسی فرهنگی شناخته می شوند،

حتی اگر با فعال شدن سایر بازیگران بین‌المللی برخی اختیارات خود را در عرصه بین‌المللی از دست بدهند. بنابراین نقش دولت نباید و نمی‌تواند از برنامه‌های دیپلماتیک حذف شود و ضرورت فعالیت‌هایش قابل انکار نیست.

علاوه بر این دولت‌ها از فرهنگ به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف خاص سیاسی، اهداف استراتژیک خارج از هدف‌های معمول (غیر معمول) یا رسمی دیپلماتیک استفاده می‌کنند و بخش‌های دیگر نظام نیز می‌توانند روند اجرایی برنامه‌های تبادل فرهنگی را تحت هدایت دولت ملی انجام دهند. همانطور که مارک استدلال می‌کند، دیپلماسی فرهنگی توسط دیپلمات‌های وزارت خارجه، افراد شاغل در سطوح مختلف نهادهای سیاسی داخلی و نیز نهادهای زیرمجموعه وزارت خارجه مدیریت می‌شود. فعالیت‌هایی که در محدوده دیپلماسی فرهنگی انجام می‌شود، بیانگر جنبه‌ای از فرهنگ جامعه است که دولت وظیفه نمایندگی آن را بر عهده دارد و شامل طیف گسترده‌ای از جامعه هنری، دانشگاهی و ... می‌شود. Liang (Xu.2017. 30)

عملاً، دیپلماسی فرهنگی اغلب به عنوان زیرمجموعه دیپلماسی عمومی در نظر گرفته می‌شود که در آن فرهنگ (که شامل مد، زبان، فیلم، رقص، هنر، موسیقی، آشپزی، مذهب و غیره) از کشورها در خارج از کشور به گونه‌ای پیش‌بینی می‌شود که اهداف سیاست خارجی دولت خاص را برآورده می‌کند. بهتر این است که ابتدا با توسعه درک متقابل و حفظ اعتبار ملی و روابط بین‌کشورها، با هرگونه اختلاف و تنش در برابر دولت هدف، مقابله کنیم (ADJEL.2019:3)

- بررسی رابطه ایدئولوژی و گفتمان

برخی نویسندگان گفتمان را معادل ایدئولوژی و جهان‌بینی و حاوی اعتقادات، ارزش‌ها و باورهای می‌دانند که در نهایت نماینده نوعی اقتدار آیینی به شمار می‌ورند، برای مثال راجر فولر گفتمان را مشتمل بر اعتقادات، ارزش‌ها و مقولاتی می‌داند که نوعی شیوه‌نگرش به جهان و باز نمودی که از تجربه را می‌سازند که در واقع همان بستر مفاهیم‌های سازنده گفتمان به شمار می‌ورند. (دایان، ۱۳۷۹: ۴۳-۴۲)

فرکلاف ایدئولوژی را ساخت‌های معنایی می‌داند که در تولید، بازتولید، و تغییر روابط نابرابر قدرت نقش دارند، در نتیجه، معنا در فهم ایدئولوژی اهمیت بسیاری دارد زیرا معنا در خدمت قدرت است. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۶۲؛ ایدئولوژی به سلطه‌ی معنا با گفتمان و زبان که ابزار تولید معنا هستند؛ پیوند می‌خورد گفتمان‌ها بار ایدئولوژیک پیدا می‌کنند و گفتمان‌های ایدئولوژیک در حفظ و تغییر روابط نابرابر قدرت سهیم می‌شوند... (همان: ۶۳) تحلیل انتقادی در بررسی پدیده‌های زبانی و اعمال گفتمانی به فرایندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین‌زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه، قدرت، نابرابری، پیش‌فرض‌های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان و بازتولید اجتماعی، زود توجه کرده است. (حقیقت؛ ۱۳۸۴: ۴۵۹)

ایدئولوژی‌ها یا سایر شناخت‌های اجتماعی محدود به فعالیت‌های اجتماعی تحت کنترل خودنیستند؛ آن‌ها به گفتمان‌هایی که ایدئولوژی‌ها را بیان می‌کنند انتقال می‌یابند و یا به بازتولیدشان کمک می‌کنند. (ون دایک، ۱۳۸۲: ۴۳۵) گفتمان نقش محوری

در شکل گیری و تغییر ایدئولوژی ها به عهده دارد، از طریق گفتمان است که ایدئولوژی ها تا حدودی وضوح پیدا می کنند و در نتیجه بیان می شوند، مشروعیت می یابند یا به شکل هنجار درمی آیند. (ون دایک، ۱۳۸۲: ۳۱۱)

ایدئولوژی ها به عنوان باورهای بنیادی تعریف شده اند که زیربنای اجتماعی مشترک دارند. و در عین حال بازنمایی انواع خاصی از گروه های اجتماعی اند. این بازنمایی ها به نوبه خود اساس گفتمان و سایر اعمال اجتماعی هستند. و فرض بر این است که ایدئولوژی ها تا حد زیادی با گفتار یا تعامل ارتباطی مکتوب توسط گفتمان بیان می شوند. (VAN DIJK, 2006: 5) از سوی دیگر گفتمان می تواند ابزار مستقیم انقیاد ایدئولوژیک به شمار آید. گفتمان ها به واسطه ساختارها شکل می گیرند اما در ضمن در تشکیل و شکل دهی مجدد و بازتولید و تغییر ساختارها نیز نقش دارند، بنابراین گفتمان ها رابطه ای دوگانه با ساختارها دارند از یک سو گفتمان بازتابگر امر اجتماعی است، از این دیدگاه گفتمان محصول ساختارها و نظام های اجتماعی است و به وسیله آن ها تعیین می شود. از سوی دیگر، گفتمان امر اجتماعی را می سازد. (علمداری، ۱۳۸۳: ۱۰۰) گفتمان یک کنش محسوب می شود و در یک موقعیت خاص روی می دهد و مشتمل بر تجربیات و منافع است که به گفتمان خصلتی ایدئولوژیک می بخشد. (همان: ۱۰۲)

فرکلاف ایدئولوژی را ساخت های معنایی می داند که در تولید، بازتولید، و تغییر روابط نابرابر قدرت نقش دارند، در نتیجه، معنا در فهم ایدئولوژی اهمیت بسیاری دارد زیرا معنا در خدمت قدرت است. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۶۲) ایدئولوژی ذاتاً پدیده ای فرهنگی است و با شبکه نمادین جامعه ارتباط پیدا می کند در واقع ایدئولوژی در صور نمادینی ریشه دارد (تامپسون، ۱۳۷۸: ۱۶۹)

برخی نویسندگان گفتمان را معادل ایدئولوژی و جهان بینی و حاوی اعتقادات، ارزش ها و باورهای می دانند که در نهایت نماینده نوعی اقتدار آیینی به شمار می روند، برای مثال راجر فولر گفتمان را مشتمل بر اعتقادات، ارزش ها و مقولاتی می داند که نوعی شیوه نگرش به جهان و باز نمودی که از تجربه را می سازند که در واقع همان بستر مفاهیم ای سازنده گفتمان به شمار می روند: البته فوکو بیشتر از این ضمن طرح همین نکته تاکید داشت که گفتمان در عین حال دارای این توانمندی یا قابلیت است که ارزش ها و هنجارهای مذکور را با اقتدار و زور به دیگران منتقل سازد. (دایان، ۱۳۷۹: ۴۳-۴۲)

دریافت نمادین- فرهنگی از ایدئولوژی برای نظریه گفتمان اهمیت دارد زیرا در نهایت شیوه صورت بندی نظام های نمادین نوع رابطه موجود میان ایدئولوژی و گفتمان را تعیین می کند به طوری که ابتدا ایدئولوژی نظم نمادین را می سازد و سپس این نظم نمادین در چارچوب یک بینش مشترک گفتمانی درک و باز نمایی می شود. (علمداری، ۱۳۸۳: ۱۰۵)

در گفتمان اسلام سیاسی پیوند گفتمان و ایدئولوژی محقق شده است، نشانگان گفتمانی متأثر از ایدئولوژی با بهره گیری از دیپلماسی فرهنگی تلاش می کند تا نشانگان خود را در سطح فراملی گسترش دهد، اسلام به عنوان امر دینی و ایدئولوژیک نشانه مرکزی گفتمان اسلام سیاسی است که تلاش می کند صورت بندی نوینی از قدرت را محقق سازد و از این روی نه تنها ایدئولوژی در تعارض با گفتمان نیست بلکه نوعی هم نشینی بین این دو مفهوم ایجاد شده به گونه ای که ایدئولوژی سازنده نظم نمادین و گفتمان فهم مشترک را محقق می سازد، بنابراین در این بستر مرز بندی ها و صورت بندی ها تعریف می

شود و همگرایی و واگرایی مفهوم پیدا می‌کند. ایدئولوژی با ماهیت فرهنگی در خدمت گفتمان است تا مرزبندی‌ها و غیریت‌سازی‌ها و اثربخشی و گسترش نشانگان را محقق کند.

- دیپلماسی فرهنگی در منظومه فکری امام خمینی (ره)

شکل‌گیری گفتمان اسلام سیاسی به رهبری امام خمینی (ره) با نشانه مرکزی اسلام شرایط نوینی را در سطوح مختلف ایجاد نمود، این گفتمان که متأثر فرهنگ و ایدئولوژی است با نشانگان و عناصری چون عدالت طلبی، امت محوری و رویکرد جهانگرایی به دنبال صورتبندی نوینی از قدرت در نظام جهانی است، به واقع گفتمان مد نظر امام خمینی (ره) دارای مولفه‌های خاصی است که سیاسی بودن و بازگشت دین در عرصه سیاسی و به نوعی نقش آفرینی آن در سپهر و عرصه عمومی از یک سو و از سوی دیگر این گفتمان به دنبال تغییر وضع موجود و رسیدن به قدرت و هژمونی است این دو ویژگی گفتمان اسلام سیاسی را دیگر گفتمان‌های موجود در جهان اسلام متمایز می‌نمود، چرا که گفتمان اسلام سیاسی که طراح آن امام خمینی (ره) بود فقط مبارزه و نقد گفتمان‌های رقیب را در دستور کار قرار نداده بود بلکه به دنبال کسب قدرت و دستیابی به هژمونی بود. در گفتمان اسلام سیاسی ایدئولوژی و فرهنگ نقش مهم و اساسی دارند و به نوعی موتور محرکه آن محسوب می‌شود و از این رو قدرت و دانش تولید شده در گفتمان اسلام سیاسی، قدرت شناور و افقی است که در قالب قدرت نرم تجلی پیدا نموده است و به واسطه دگرگونی در ماهیت قدرت شاهد شکل‌گیری نوع خاصی از دیپلماسی در این گفتمان هستیم، که می‌توان از آن با عنوان دیپلماسی فرهنگی یاد کنیم بهره‌گیری از سازه‌های نرم افزاری و انگاره‌های ایدئولوژیک و فرهنگی در جهت اثربخشی بر جوامع دیگر و هویت بخشی از ورای مرزهای جغرافیایی به عنوان دستور کار این نوع از دیپلماسی است. "رضوان السید معتقد است: طی یک قرن گذشته گفتمان اسلامی در سه مرحله با چالش تازه روبرو شده

است؛ مرحله نخست دوران رواج اندیشه های نوسازی اسلام و مشارکت مجدد آن در تمدن معاصر بود که، دارای نقاط منفی زیادی بود، اما همه اش مردود نیست.، مرحله دوم مرحله انتقادی و بنیان کن بود. این وضع سرخوردگی و نا امیددی مسلمانان را از عصر و تمدن معاصر نشان می دهد در این مرحله الگوی تمدنی- اسلامی ویژه ای در زمینه های مختلف اجتماعی و سیاسی مطرح شد. مرحله سوم که هنوز هم شاهد تولیدات فرهنگی آن هستیم؛ دو وجه متمایز عمده دارد؛ یکی سیاسی شدن شدید اسلام است و دیگری اینکه به مدد سیاسی شدن شدید اسلام؛ این دین از حالت ایدئولوژی مبارزه به ایدئولوژی برای رسیدن به قدرت تبدیل شد. (رضوان السید، ۱۳۸۳: ۲۵)

ایدئولوژی اسلامی از چند راه بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی تأثیر میگذارد؛ نخست، این ایدئولوژی نقشی بسیار مهم در تعیین و تعریف هویت و نقش ملی ایران بازی میکند. دوم، از راه تعیین هویت و نقش ملی جمهوری اسلامی، منافع و اهداف ملی آن را تعریف میکند و به آن شکل می دهد. سوم، چارچوب فکری خاص را پدید میآورد که واقعیتها، پیامها و اشارات محیط خارجی و سایر کشورها در چارچوب آن معنا، تفسیر و تعبیر می شود. چهارم، تعیین مراحل اصلی تحول تاریخی و تکامل اجتماعی - سیاسی، تصویری خاص از وضعیت حال و آی نده جهان ارائه میدهد و چشم انداز معینی برای کشور ترسیم می کند. پنجم، ایدئولوژی اسلامی، یک نظام اخلاقی و ارزشی خاص را برای داوری در مورد سیاست ها، اقدامات و رفتارهای جمهوری اسلامی پدید می آورد (دهقانی، ۱۳۸۹ ب: ۹۲) در گفتمان اسلام سیاسی شاهد تعامل و هم نشینی دوگانه های مختلف هستیم، رویکرد جهانگرایی و ام القرایی یکی از مهم ترین دوگانه های این گفتمان است، مسولیت های فراملی و پیگیری صورتبندی نوین قدرت در سطح بین المللی و دست یابی به هژمونی از اهداف نهایی و غایی این گفتمان محسوب می شود. به واقع "منطق چیره در ساختار این گفتمان، ساختاری دو وجهی از اندیشه و کنش را فراوری مینماید که در آن مبانی ایدئولوژیک و منافع ملی، هرچند با جایگاه متفاوت، در کنار یکدیگر قرار میگیرند. هویت با گذشت زمان تغییر میکند و موجب تغییر در منافع و رفتار دولتها میشود. فهم چگونگی شکلگیری منافع دولت، عامل بسیار مهمی در درک بسیاری از مسائل روابط بین الملل است" (قهرمانپور، ۱۳۸۳: ۳۰۶) باید اذعان نمود که "ایدئولوژی چارچوب رفتاری گفتمان اسلام سیاسی را مشخص می کند و به عنوان یک عنصر پیشران و تاثیرگذار از برای گفتمان محسوب می شود و به نوعی مولفه های ذاتی موجود در ایدئولوژی همچون غیریت سازی و خصومت و تعریف و طراحی صورتبندی قدرت همسو با گفتمان است." در گفتمان امام خمینی، اسلام سیاسی به عنوان یک منبع اعتباربخش جدید برای تغییرات مثبت تعریف می گردد و با شعار « اسلام راه حل است » تزئین شده است (احتشامی، ۱۳۸۱: ۲۴۹، ۲۵۰) ایدئولوژی در گفتمان سیاست خارجی امام خمینی ناظر بر کنش های استوار بر اسلام انتقادی- انقلابی و برآمده از بنیان های جهان بینی، شناخت شناسانه، انسان شناختی و فرجام شناسانه خاص است. برون دادهای این صورت بندی گفتمان خود را در گزاره ها و کنشهای مکتب گرایانه، آرمانگرایانه و وظیفه گرایانه نشان می دهد (اسدی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۶) برآیندهای ایدئولوژیک گفتمان ایشان ناظر بر کنشهای استوار بر اسلام انتقادی- انقلابی و برونداد آن مکتب گرایی و آرمان گرایی است. استراتژی کنش های استوار بر محاسبات امنیت پایه و سیاست های سخت افزاری را صورت بندی کرده و زمینه ای برای فهم وجوه واقعگرا- عملگرا را در گفتمان امام فراهم می آورد. دیپلماسی ره آورد تلاش ایشان برای ارتباط مثبت و سازنده با نظام بینالملل با کاربست کنشهای استوار بر

الگوهای پذیرفته شده گفتگو و مذاکره بوده و مصلحتگرایی - نوگرایی را در گفتمان سیاست خارجی ایشان به نمایش میگذارد. (اسدی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱)

اسلام یک ملت واحد است و ممالک اسلامی، مثل محله های یک شهر به هم نزدیکاند و همه روی قواعد اسلامی موظف اند که باهم متحد باشند. و همه زیر پرچم توحید، متحدالکلمه با کسانی که برخلاف اسلام هستند، مقابله کنند (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۴۸۵) گفتمان اسلام سیاسی با نشانه مرکزی اسلام و بهره گیری از معنویت گرایی سیاسی به دنبال انسجام بخشی بر جهان اسلام بود بنابراین طراح این گفتمان با بهره گیری از فرهنگ دینی به دنبال تعریف مرزبندی هویتی در برابر گفتمان های رقیب بود تاکید بر ساخت فرهنگی و ایدئولوژیکی در چارچوب ایجاد یک نظم فرهنگی هدف غایی و نهایی حضرت امام بوده است. در واقع امام خمینی ره تلاش می کند تا ضمن توجه به تمایزهای موجود در جهان اسلام در قالب زنجیره هم ارزی تمامی خرده گفتمان های موجود در جهان اسلام را به یکدیگر پیوند دهد و امت واحد و انسجام در درون اسلام را محقق سازد.

معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملتها بیدار بشوند و همه دولت ها بیدار بشوند. (۲۸۱: صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۳) صدور انقلاب یکی از ابزارهای مهم در جهت تشدید خودآگاهی هویتی و مخاطب قرار توده ها و ملت ها محسوب می شود به واقع با بهره گیری از صدور انقلاب با مخاطب قرار دادن فطرت انسانی مهمترین رکن دیپلماسی فرهنگی امام خمینی ره محسوب می شود به واقع قدرت نرم تعریف شده در درون گفتمان اسلام سیاسی مبتنی بر سازه ها و انگاره های فرهنگی است که منجر به شکل گیری جهت گیری های نوین در دیپلماسی شد، صدور انقلاب اوج تجلی ماهیت نرم افزاری گفتمان اسلام سیاسی محسوب می شود.

یکی از نشانگان مهم گفتمان اسلام سیاسی نوع دوستی و همزیستی مسالمت آمیز می باشد که در نگاه و رویکرد امام به نوعی مورد توجه قرار گرفته است. « چیزی نیست جز بشر دوستی و به نفع صلح و آرامش همه بشریت است (صحیفه امام، ۱۳۷۸. ۵۳۷: ج ۵) » در اندیشه امام خمینی آنچه غایت تعلیمات اسلامی است همزیستی مسالمت آمیز در سطح جهان است « (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۸) در واقع یکی از نشانگان مهم در گفتمان اسلام سیاسی توجه به نوع بشر و نوع دوستی است که برآمده ماهیت انسانی و نگاه ویژه به انسان است در دیپلماسی فرهنگی مدنظر امام ره مخاطب قرار دادن انسانها یک ضرورت محسوب می شود و زیست جمعی و مسالمت آمیز به عنوان هدف نهایی و غایی تلقی می شود.

گفتمان اسلام سیاسی محصول دگرگونی در ماهیت و نوع نگرش به اسلام بود که توسط امام خمینی (ره) ارایه شد این گفتمان مجموعه ای از نشانگان بود که نشانه مرکزی آن اسلام بود، در این گفتمان نشانگانی چون امت محوری، جهان گرایی، و عدالت طلبی از مهمترین نشانگان آن بود که در سطح فراملی به دنبال صورتبندی نوینی از قدرت بود، در درون گفتمان اسلام سیاسی ماهیت قدرت نرم افزاری و شبکه ای است که تحت تاثیر ایدئولوژی و فرهنگ می باشد، سازه های موجود در این گفتمان به دنبال نقش افزینی در سطح بین المللی و به نوعی در چارچوب زنجیره هم ارزی تلاش نمود تا تمامی خرده گفتمان های موجود در جهان اسلام را به یکدیگر پیوند دهد و به عنوان یک کلیت در بستر غیریت سازی ضمن ارایه نشانگان خود به دنبال به چالش کشیدن نشانگان رقیب بود، به واسطه ماهیت قدرت در این گفتمان بهره گیری از ایدئولوژی و فرهنگ دیپلماسی فرهنگی به عنوان یکی از مهمترین ابزار اثربخشی آن محسوب می شود، صدور انقلاب به عنوان یکی از تکنیک های گفتمان اسلام سیاسی و بهره گیری از ابزارهایی چون رسانه در جهت ابلاغ و دعوت از مهمترین مفاهیم کلیدی مدنظر ایدئولوگ این گفتمان یعنی امام خمینی (ره) بود، رسانه بخصوص در شرایط کنونی به عنوان قدرت پس گفتمان توانسته است سازه ها و نشانگان گفتمان اسلام سیاسی را گسترش دهد. از این روی بهره گیری از دیپلماسی فرهنگی در جهت هویت سازی و هویت بخشی و همچنین بیداری هویتی در جامعه بشری هدف نهایی و غایی گفتمان اسلام سیاسی محسوب می شود که به واسطه آن هژمونی نیز به عنوان مقصود اصلی محقق خواهد شد.

- اسدی ناصر، قنواتی نگار ، رضائی پناه امیر ،چارچوبی تحلیلی برای بررسی گفتمان سیاست خارجی امام خمینی(ره)(ایدئولوژی، استراتژی و دیپلماسی) (فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۲ ، بهار ۱۳۹۴
- احمدوند،شجاع، قدرت، دانش در ایران، تهران، فرهنگ و اندیشه،۱۳۸۴.
- بشریه، حسین، نظریه های فرهنگ در قرن بیستم ، تهران، آینده پویان، ۱۳۷۹
- تامپسون ، جان،ب، ایدئولوژی و فرهنگ مدرن، ترجمه مسعود اوحدی تهران، آینده پویان،۱۳۷۸.
- رضوان السید، اسلام سیاسی معاصر،در کشاکش هویت و تجدد،ترجمه مجید مرادی،تهران،نشر باز،۱۳۸۳
- حسینی زاده،محمد علی،"نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی"،فصلنامه علوم سیاسی ،شماره ۲۸، ۱۳۸۳
- حقیقت،صادق،روش شناسی علوم سیاسی،قم، دانشگاه مفید،۱۳۸۵
- فیرحی،داوود،قدرت،دانش ومشروعیت دراسلام،تهران،نشرنی،۱۳۷۸
- معینی علمداری،جهانگیر، "هویت و تاویل: در جست جوی یک هویت پسااستعماری"،فصلنامه مطالعات ملی،سال هفتم،شماره یکم، ۱۳۸۵
- نوذری،حسین علی،صور تبدیلی مدرنیته و پست مدرنیته،تهران.نقش جهان.۱۳۷۹
- ون دایک،تئون،ای،مطالعاتی در تحلیل گفتمان،از دستور متن تا گفتمان کا وی انتقادی. گروه مترجمان،پیروز ایزدی،تهران،مرکز مطالعات وتحقیقات رسانه ها.۱۳۸۲
- هوارث،دیوید"نظریه گفتمان". ترجمه علی اصغر سلطانی.فصلنامه علوم سیاسی. ش ۲، پاییز ۱۳۷۷

”

Mark. Simon. DISCUSSION PAPERS IN DIPLOMACY A Greater Role for Cultural Diplomacy--
Netherlands Institute of International Relations 'Clingendael' 2009

-Xu, Liang, THE EFFECTIVENESS OF CULTURAL DIPLOMACY IN STATE TRUST BUILDING
BETWEEN CHINA AND THE UK, 2017.

VAN DIJK TEUN A. Ideology and discourse analysis", Journal of Political Ideologies (June
.2006